

جامعه‌شناسی ایلات و عشایر

www.ketab.ir

مولفان:

علی اکبر مجدی

نسرین عربی

گلی شادکام

سرشناسه : مجدی، علی اکبر، ۱۳۴۲-
عنوان و نام پدیدآور : جامعه‌شناسی ایلات و عشایر/مولفان علی اکبر مجدی، نسرین عربی،
گلی شادکام.
مشخصات نشر : مشهد: خانه علوم تربیتی، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری : ۳۵۸ ص.
شابک : ۱-۹۷۲۱۷۱-۹۷۸-۵۰۰۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست نویسی : فیبا
یادداشت : کتابنامه.
موضوع : ایلات و عشایر -- ایران -- جنبه‌های اجتماعی
شناسه افزوده: عربی، نسرین، ۱۳۵۷-
شناسه افزوده: شادکام، گلی، ۱۳۵۲-
رده بندی کنگره : DSRV۰
رده بندی دیویی : ۹۵۵/۹۷۰۴۴
شماره کتابشناسی ملی : ۷۷۷۰۲۲۷

www.ketab.ir



نام کتاب : جامعه‌شناسی ایلات و عشایر
مولفان: علی اکبر مجدی، نسرین عربی، گلی شادکام.

صفحه آرایي و طراح : قدیمی

قطع: وزیری

نوبت چاپ: اول

چاپخانه: قدیمی

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۵۰۰۰۰ تومان

ناشر: خانه علوم تربیتی

شابک : ۱-۹۷۲۱۷۱-۹۷۸-۶۲۲-۹۷۸

حق چاپ محفوظ است

فهرست

۱۰		مقدمه
۲۳		تاریخچه
۳۵		ایلات، طوایف و توزیع جغرافیایی
۳۸		الف: ایلات و عشایر مستقر در حوزه غرب و جنوب ایران
۴۲		ب: ایلات و عشایر حوزه شمال غرب
۴۳		پ: ایلات و عشایر حوزه شمال شرق
۴۴		ت: ایلات و عشایر حوزه شرق و جنوب شرق
۴۵		ث: ایلات و عشایر حوزه مرکزی
۵۱		ساختار اجتماعی ایلات و عشایر
۷۶		ایل
۷۷		باب
۷۷		طایفه
۷۸		تیره
۷۸		تش
۸۰		مال
۸۲		خانواده
۹۱		انواع ازدواج در ایلات و عشایر
۹۴		ساختار سیاسی و نهاد قدرت ایلات و عشایر
۱۰۳		ایلخان یا والی
۱۰۳		ایل بیگ یا بیگ
۱۰۳		خان یا کلانتر
۱۰۴		ریش سفید یا آق ساقال تیره
۱۰۴		کدخدا
۱۰۴		ریش سفیدان تش یا طایفه

۱۰۵	سرپرست خانوار
۱۰۵	سرمال (مالخان، مالخانی، غوره، سرباج)
۱۲۴	ساختار اقتصادی ایلات و عشایر
۱۳۲	نظام ارث بری در عشایر
۱۳۴	ایلات و عشایر در برنامه های توسعه
۱۴۲	برخی چالش های موجود در کانون بکان
۱۵۱	نمونه موردی: عشایر کوچروی کرد کرمانج خراسان
۱۵۱	مقدمه
۱۵۲	پیشینه تاریخی
۱۵۵	ایلات و طوایف
۱۵۶	ایل زعفرانلو
۱۵۸	ایل شادلو
۱۶۰	ایل قراچورلو
۱۶۲	ساختار اجتماعی ایلات کرد خراسان
۱۶۴	ساختار سیاسی ایلات کرد خراسان
۱۶۵	زبان عشایر کرد خراسان
۱۷۸	دین عشایر کرد خراسان
۱۸۰	خانواده در عشایر کرد خراسان
۱۸۱	نقش زن در خانواده عشایری
۱۸۲	وظایف زنان
۱۸۳	حقوق زنان
۱۸۴	روحیه و خلق و خو
۱۸۵	معیش عشایر کرد خراسان
۱۸۹	تفاوت شیوه ها و اهداف دامپروری عشایر کرد خراسان در گذشته و اکنون
۱۹۱	حمل و نقل و کوچ
۱۹۲	نحوه استخدام چوپانان و میزان دستمزد آنان

۱۹۲	بیماریهای دام و شیوه‌های درمان آن از گذشته تا کنون
۱۹۴	نظام نامگذاری دام
۱۹۸	برخی آداب و سنن مربوط به دامداری در میان کوچ‌نشینان کرد خراسان
۲۰۰	تغییر سیستم از دامداری به دامپروری
۲۰۱	مشکلات و دشواریهای فراروی کوچ‌نشینان
۲۰۲	سرپناه
۲۰۷	مراحل آماده‌سازی محل و برپا کردن سیاه‌چادر
۲۱۳	خوراک
۲۱۶	نان‌ها
۲۱۸	خوراک‌های تریبلی
۲۲۱	پوشاک
۲۳۲	هنر و صنایع دستی
۲۳۶	مهم‌ترین دستبافته‌های تهیه شده از پشم
۲۴۸	ورزش و بازی‌های محلی
۲۵۳	فرهنگ
۲۵۳	ادبیات شفاهی
۲۵۸	ترانه‌ها
۲۵۹	لالایی‌ها
۲۶۵	گهواره
۲۶۶	ترانه‌های کودکان
۲۷۰	ترانه‌های عاشقانه
۲۷۰	سه‌خشتی
۲۷۴	چارو ک؛ قالب ترانه‌های فولکلور چهارمصرعی کردی کرمانجی خراسان
۲۸۰	بانگی
۲۸۱	چیستان

مقدمه

انسان به عنوان یک موجود اجتماعی که برای بقا به افراد دیگر نیاز دارد و به عنوان یک موجود فرهنگی که کنش‌های فردی و اجتماعی او تماماً تحت تأثیر غریزه نیست بلکه غالباً از شیوه‌های اجتماعی شدن در جامعه الگو می‌پذیرد همواره متوجه اهمیت زندگی گروهی بوده است. این توجه با ظهور فلاسفه و دانشمندان عهد باستان در یونان مانند ارسطو و افلاطون به صورت آثار ادبی، فلسفی، هنری و... نمایان می‌شود. با گسترش زندگی یکجانشینی در روستاها و شهرها با سبک‌های گوناگون که منطبق بر شرایط محیطی و اجتماعی این اقوام بود، توسعه علوم و میزان اهمیت به آن در نقاط مختلف دنیا نیز شرایط یکسانی را پدید آورد.

با پیدایش رنسانس و انقلاب صنعتی از قرن ۱۵ میلادی به بعد گرایش به علوم تجربی و اهداف و روش‌های عینی آن، گشایشی عظیم در رشد علوم مختلف برای کشورهای اروپایی به ارمغان آورد. در این میان از قرن ۱۸ میلادی به علت گسترش مسائل اجتماعی و اقتصادی در جوامع صنعتی، نیاز به علوم اجتماعی برای توصیف، تحلیل و چاره‌جویی احساس شد و در قرن ۱۹ میلادی، جامعه‌شناسی به عنوان یک رشته علمی در محافل علمی پذیرفته شد. از آنجا که جوامع یاد شده بر اساس نیازهای خود شاخه‌ها و گرایش‌های گوناگون جامعه‌شناسی را پرورش می‌دادند، نگاه جامع و مستقلی به جامعه‌شناسی ایلات و عشایر مشاهده نمی‌شود. به تدریج با توسعه علوم انسانی نظیر جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی، برخی از مردم‌شناسان و انسان‌شناسان از محدود اندیشمندان حوزه علوم اجتماعی بودند که با هدف کشف و شناخت زندگی مردمان بدوی و شناخت ساختارها و نظام‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی، بهداشتی و... به پژوهش‌های میدانی، اسنادی و بررسی برخی قبایل می‌پرداختند مانند

مالینوفسکی^۱، لوی اشتراوس^۲ و هانا آرنست^۳ یا محققانی نظیر ریچارد تاپر^۴، پل بسنیه^۵، کرنلیس اپت لند^۶، گونتر شوائتزریه^۷ و هنری فیلد^۸ که در ایران نیز گزارشات و مطالعاتی در باب ترکیبات قومی و ایلی و ساختارهای اجتماعی داشته‌اند و برخی از آنها در مجموعه انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران و با به صورت کتاب و مقاله موجود است. در این دوران متأسفانه در ایران حکومت‌هایی خودکامه و نالایق بر سر کار بودند که اهمیت توسعه علوم و فنون را نادیده انگاشته یا حتی درک نمی‌کردند. بنابراین نه تنها جامعه‌شناسی به طور عام و جامعه‌شناسی ایلات به طور خاص، بلکه کلیه علوم انسانی با بی‌مهری مواجه بودند. سبک برخورد حکومت‌ها با ایلات و عشایر در تاریخ ایران به شیوه‌هایی کاملاً غیر علمی، مستبدانه و انزاری نیز گواهمین مطلب است.

هدف جامعه‌شناسی، مطالعه جامعه برای کسب شناخت، کشف و توصیف الگوها، ساختارها، نهادها و کلیه واقعیات‌ها و پدیده‌های اجتماعی، تفسیر، تحلیل و استدلال آنها و ارائه راه حل مناسب بر اساس شواهد تجربی در جهت برون رفت از مسائل و چالش‌های موجود یا ممکن و یا مساعد کردن زمینه‌های لازم برای توسعه پایدار می‌باشد. اما با بررسی آثار مربوط به مطالعه ایلات و عشایر به ویژه آن دسته از پژوهش‌ها یا آثار که از دیدگاهی جامعه‌شناختی برخورددار هستند در می‌یابیم پارادایم‌ها، فلسفه

^۱ Malinowski

^۲ Levi Strauss

^۳ Richard Taper

^۴ Hannah Arendt

^۵ Richard Taper

^۶ Cornelius opt Land

^۷ Gunter Schweitzer

^۸ Henry Field

روش شناختی. دیدگاه‌های نظری مورد استفاده برای تبیین و توصیف در اکثر آنها به نوعی تقلیل‌گرایی به این حوزه پرداخته‌اند. این ضعف از دید شهبازی (۱۳۶۹) نیز پنهان نمانده است. او مونوگرافی‌ها/ تک‌نگاری‌ها و مطالعات موردی در مورد برخی از ایلات و عشایر در زمان و مکان معین و سایر مطالعات در این حوزه را در دو گروه دسته‌بندی می‌کند. ابتدا آن دسته از مطالعات عشایر و قبایل که بر اساس پارادایم‌های تجربی، دیدگاه‌های مارکسیستی و با روش شناختی ماتریالیسم تاریخی صورت گرفته‌اند. این دسته از پژوهشگران که عمدتاً غیر ایرانی هستند شیوه زندگی ایلی و قبیله‌ای را مربوط به یک مرحله از توسعه و تکامل زندگی بشر می‌دانند که اکثر جوامع آن را پشت سر گذاشته و امروزه در برخی نقاط هنوز هم چنین سبکی از زندگی مشاهده می‌شود. در طی زمان حتماً آن‌ها منحل خواهد کرد و به مراحل بعدی رشد و تکامل منتقل خواهد شد و در غیر این صورت محکوم به فنا خواهد بود. در این دیدگاه علاوه بر تقلیل زندگی عشایر به یک مرحله برای پیشرفت سطح جبرگرایی نیز وجود دارد که در آن هیچ اراده و اختیاری برای انسان قائل نبوده و بشر را محکوم به پذیرش اجباری شرایط اجتماعی و زیست محیطی خود می‌انگارد. در این دیدگاه حتی تاریخ و فرهنگ انسان‌ها نیز پدیده‌ای جبری محسوب می‌گردد که در گذر زمان به کلی ویژگی‌های کارکردی خویش را از دست داده و در هر مرحله تاریخ و فرهنگ نوینی که به طور کلی از آنچه در گذشته وجود داشته گسسته است ایجاد می‌گردد. شناخت و آگاهی و فرهنگ متناسب با آن‌ها در هر مرحله جدید در حقیقت آگاهی‌رستینی می‌باشد که نوع بشر را برای انتقال به مراحل بالاتر تکامل و توسعه که همان کمون عظیم مارکسیستی است آماده می‌کند. آنها ایلات و عشایر در دوره معاصر را بقایای فورماسیون کمون اولیه می‌دانستند که در مراحل بعدی وارد فورماسیون‌های دیگر

یعنی: برده داری، فئودالیسم، سرمایه داری و در نهایت سوسیالیسم مطلق و عام آرمانی خواهد شد. ضعف‌های موجود در این دیدگاه تقلیل‌گرا و وجود تعارضات متعدد در آنچه در نظریات مارکسیست‌ها وجود داشت با آنچه عملاً در واقعیت مشاهده می‌شد باعث شد که علاوه بر طرفداران سایر دیدگاه‌ها حتی در میان اندیشه‌ها و تفسیرهای اصحاب این دیدگاه نیز اختلاف نظرهای فراوانی وجود داشته باشد.

دوم دیدگاه‌هایی هستند که در برابر این دیدگاه و به عنوان یک واکنش شکل گرفته و زندگی عشیره‌ای را مطالعه نمودند. این دسته نیز بیشتر مردم شناسان و جامعه‌شناسان غربی بودند که در مطالعات خویش معتقد به پارادایم‌های تجربی، نظریات رفتارگرایی، کارکردگرایی یا ساختارگرایی بودند و از روش‌هایی نظیر تک‌نگاری، مورد پژوهی و تحلیل‌های تطبیقی استفاده می‌کردند. ضعف این دسته از پژوهش‌ها در این نکته مستر است که آنها به کلی مطالعات خویش را از تاریخ و بررسی‌های تاریخی ایلات و عشایر و قبایل مورد بررسی جدا نموده‌اند. به عبارتی آنها معتقد بودند که یک پدیده مانند یک ایل یا قبیله را می‌بایست جدای از گذشته آن و تنها بر مبنای آنچه اکنون وجود دارد بررسی کرد و ساختارها، نهادها، نظام‌ها و... را نیز جداگانه توصیف، تبیین و تحلیل نمود. این نوع نگاه به مطالعه عشایر نیز به ایجاد پژوهش‌ها و تفسیرهایی منجر به این شد که از یک سو همه واقعیت را بیان نمی‌کردند و از سوی دیگر قادر نبودند به برخی از سوالات مطرح شده پاسخ علمی و مطابق با منطق بدهند. مثلاً اینکه چرا ایلاتی‌ها با وجود آگاهی و درک برخی از تعارض‌ها و مشاهده عدم کارکردها در آگاهی و شناخت خویش مبنی بر دست‌یابی به قدرت و ثروت بیشتر باز هم بی‌چون و چرا از ساختارها و نظام‌های هنجاری موجود پیروی محض داشته و فراتر از آن پیروانی مطیع برای منابع اقتدار موجود در اجتماع خویش

می‌باشند؟ همچنین مطالعه جداگانه عناصر ایللی مانند قبیله، کوچ، شیوه‌های معیشتی و اقتصادی، خانواده و... روشی به نهایت ناصواب است چرا که در زندگی‌های عشیره‌ای و ایللی تمامی عناصر اعم از ساختارها، نظام‌ها، نهادها و... بیش از آن در یکدیگر تنیده هستند که بتوان آنها را از یکدیگر جدا کرد و این در حقیقت در نوع تقسیم‌کار و نوع جامعه مکانیکی آنها ریشه دارد. این قبیل ضعیف‌ها از حذف و نادیده انگاشتن ابعاد تاریخی و فرهنگی شدن عشایر در نوع خاصی از ادبیات اجتماعی - اقتصادی در طول تاریخ نشأت می‌گرفت. لذا این گروه نیز قادر نبودند به درک و شناختی همه‌جانبه و منطبق بر واقعیات دست پیدا کنند. در برابر این پژوهش‌ها می‌توان اثر درخشان این خلدون را مشاهده کرد که در مقدمه تاریخی خویش خیلی جلوتر از آنکه دیگر متفکران به یارادایم‌های تفسیری و دیدگاه‌های تفهیمی در مطالعه ایلات و عشایر توجه کافی داشته باشند به خلق اثری بسیار خوب پرداخت که در آن زندگی عشایر را بسیار دقیق‌تر، عمیق‌تر و کامل‌تر از آنچه در ادبیات او و حتی پس از او وجود داشت مطالعه، توصیف، تفسیر و تحلیل نمود. به قسمی که دیدگاه‌های او در باب ایلات و عشایر، فرآیند تشکیل حکومت‌ها به وسیله آنها، مراحل قدرت گرفتن و تثبیت حکومت‌ها و در نهایت شرایط و ویژگی‌ها و مراحل که سبب افول و اضمحلال حکومت‌ها می‌گردد و اینکه چگونه یک ایل یا قبیله دیگر می‌تواند قدرت جدید را در دست بگیرد را به صورتی به تصویر کشیده است که هنوز هم از اعتبار روشی و محتوایی لازم و کافی برخوردار می‌باشد.

جامعه به عنوان سازمان اجتماعی عبارت است از مجموعه افراد و گروه‌هایی که در یک سرزمین معین و در زمان مشخص زندگی کرده و دارای تاریخ، فرهنگ، ارزش‌ها، هنجارها، هویت، زبان، هنر و احساس تعلق و "ما" بودن هستند. این سازمان

اجتماعی دارای یک سازمان سیاسی است که شامل مرزهای نسبتاً ثابت و معین، حکومت یا دولت و قوانین مورد توافق و مشروع برای همه افراد جامعه می باشد که به آن ملت می گویند. روند توسعه فرهنگ و تمدن در جوامع گوناگون متفاوت بوده است اما برخی از تقسیم بندی ها برای سهولت مطالعه صورت گرفته است. یکی از این تقسیم بندی ها متعلق به گیدینگر است (شهبازی، ۱۳۶۹). او روند تکاملی جوامع انسانی و جدا شدن آنها از جوامع حیوانی به وسیله فرهنگ پذیری و اجتماعی شدن را به صورت ذیل طبقه بندی می نماید:

- ۱- دوره تقلید انسان از حیوانات و رفتار تقلیدی و الگو برداری از حیوانات.
- ۲- دوره بهره گیری از قوه شناخت از طریق حواس و قوه استدلال و تفکر و برقراری روابط متقابل انسانی و جدا شدن از رفتارهای حیوانات و گردهم آیی افراد انسانی در گروه های بزرگتر.
- ۳- دوره تشکیل قبایل کوچک و ایجاد طبقه و کلام ابتدایی، فهم مفاهیم اخلاقی و حقوقی مانند مالکیت، حق، نیکی و بدی، فرمانروایی و حمایت و... همکاری هدفمند در روابط انسانی، استفاده از ابزارهای ساده و ابتدایی برای ایجاد تنوع در سبک زندگی، گسترش مالکیت ابزار و سرمایه های مربوط به کشاورزی و ایجاد تمدن ابتدایی، آغاز گسترش تدریجی خانواده گسترده به جای قبایل. در این دوره قوم مداری و تعصب به اعضای قبیله خودی و تضاد منافع و درگیری های بین قبیله ای شکل می گیرد.
- ۴- دوره رشد اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی و سیاسی قبایل کوچک، آغاز اتحاد و ادغام برخی قبایل و ایجاد ملت های کوچک و تقسیم کار در میان ساختار اجتماعی-سیاسی آنها، اهمیت یافتن تخصص، افزایش تولید و مصرف، افزایش

جمعیت، گسترش مالکیت ابزار و سرمایه‌های مربوط به تولید صنعتی، جایگزینی ایدئولوژی ملت‌گرایی به جای قوم‌گرایی، گسترش خانواده هسته‌ای و کم‌رنگ شدن روابط خویشاوندی، تغییر شرایط کار تخصصی و تغییر در تعهدات و نقش‌های خانوادگی.

در حال حاضر جامعه‌شناسی ایلات در برخی کشورها که هنوز رذپایی از عشایر در آنها دیده می‌شود مانند هند یا آمریکا با اهداف کسب شناخت ارزش‌ها و هنجارهای آنها و یا بررسی نحوه تطابق آنها با ارزش‌ها و برنامه‌های توسعه‌ای در جوامع مدرن صورت گرفته است. مانند لسللی جامیر ریوز و همکاران (۲۰۱۳) با بررسی فرهنگ افراد قبایل سرخپوست آمریکا که در شهرها ساکن شده‌اند پرداخته‌اند تا نحوه سازگاری فرهنگ بین قبیله‌ای آنها با فرهنگ شهرهای میزبان را بررسی کنند. آنان مشاهده می‌کنند که نحوه اجتماعی کردن جوانان توسط بزرگسالان و ریش سفیدان قبایل مورد بررسی به گونه‌ای است که نسل جوان این قبایل با وجود حضور فعال و جامعه‌پذیری در فرهنگ مدرن شهرها، همچنان برخی از عناصر فرهنگی ارزش‌های قوم‌مدارانه و باورها و جهان بینی متعلق به اجداد کوچروی خویش را حفظ کرده‌اند. مشاهدات نشان می‌دهد که در بسیاری از موارد این ارزش‌ها و باورهای سنتی - ایلی جوانان در ابعاد گوناگون زندگی مانند کسب آرامش و سلامت جسمانی و روحانی آنها اثرگذار است. همچنین این مجموعه‌های فرهنگی مانند ذخایر سرمایه‌های فرهنگی و خاطرات قومی و نوستالژیک به آنها هویت و غرور و در نتیجه اعتماد به نفس لازم برای رویارویی با چالش‌های زندگی‌شان را می‌دهد. ایوب ملک (۲۰۰۹) نیز به بررسی قبایل سکنی‌گزیده در محله جمالپور در ولسوالی بوردوان در کشور هند پرداخته است. او ساختار جمعیتی در این منطقه را ترکیبی از افراد مربوط به طبقه‌های مختلف توصیف

می‌کند که بر اساس برنامه‌های توسعه‌ای عشایر به مشاغلی مانند کشاورزی، کارهای صنعتی، دامپروری، ماهیگیری، تجارت و بازرگانی یا ترکیبی از آنها مشغول هستند و سعی می‌کنند وضعیت معیشت خود را حفظ نمایند. در این میان مشاغل مربوط به صنعت صنایع دستی برای آنها بالاترین اهمیت و کارایی را دارد. مشاهدات او نشان می‌دهد برنامه‌های توسعه‌ای نتوانسته‌اند در انطباق عشایر یکجانشین شده در این منطقه مؤثر باشند. عدم تعادل و فقدان برنامه ریزی‌های همه‌جانبه سبب شکاف طبقاتی و ایجاد فقر در برخی از این عشایر یکجانشین شده، گردیده و باعث ایجاد احساس دافعه و درگیری در انواع چالش‌های گوناگون در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و بروز رفتارهای ضد اجتماعی در آنها شده است. او استدلال می‌کند که فقدان یک رهبری کارآمد در برنامه‌های توسعه‌ای و یکجانشینی عشایر از مهمترین دلایل ناکامی این سیاستگذاری است. همچنین عدم برنامه‌های توسعه‌ای عشایر، مشارکت و دیدگاه عشایر و قبیایل لحاظ نگردیده است. برنامه‌های توسعه‌ای برای قبیایل عمدتاً مبتنی بر استخدام و دریافت دستمزد، دریافت وام خانه سازی و تعمیر خانه است و این تنها به حفظ وضع موجود آنها که ناتوانی در پیشرفت و تحرک اجتماعی است، می‌انجامد و در بازی سیاسی قدرت، قدرت همچنان در قالب ثروت و نفوذ اجتماعی در دست عده‌ای باقی مانده است. در نتیجه این برنامه‌ها فقط باعث رکود اقتصادی و باقی ماندن در چرخه فقر می‌گردند. این امور باعث شده است که آنها برای مقاومت در برابر این فشارهای اقتصادی و سیاسی به اهرم‌های قبیله‌ای پیشین خود و یا سایر اهرم‌های نوین که به دلیل عدم برخورداری از آگاهی و تخصص لازم و فقدان روحیه و توان کارآفرینی در محیط جدید، ممکن است انواعی از کنش‌های ناهنجار و حتی خشن اجتماعی باشد سوق پیدا کنند. به عبارتی با این که این سیاست‌ها برای سازگاری و

انطباق اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی این عشایر و از بین بردن امکان احساس محرومیت نسبی عشایر برنامه ریزی شده بودند اما در عمل به اهداف تعیین شده نرسیده‌اند. لذا با عدم تعادل موجود در ابعاد مختلف مانند توزیع ناعادلانه درآمد، فرصت و قدرت این برنامه‌ها به توسعه پایدار ختم نمی‌شوند. وی مشارکت خلاق عشایر در برنامه‌های توسعه‌ای و تمرکز بر نیازهای آنها را راه حل این مسئله می‌داند.

جامعه‌شناسی ایلات و عشایر در ایران نیز بیشتر به صورت توصیف ساختارها و نهادهای ایلی و عشایری در مقاطع زمانی معین و یا به صورت کلی صورت گرفته است. در برخی از مقالات به صورت موردی به برخی از ابعاد جامعه‌شناختی پرداخته شده است. اما کتابی که شامل هر دو زمینه توصیف و تحلیل جامعه‌شناختی با ذکر نمونه‌های اسنادی یا عینی قدیم و جدید از سبک زندگی عشایر که متأثر از تغییرات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و در وضعیت کنونی بوده است، پیامدهای این تغییرات در تحولات اجتماعی، جمعیتی، سیاسی و اقتصادی در طول تاریخ این مرز و بوم و جوامع ایلی و بر توسعه ملی و کل جامعه ایران باشد نادر است.

نکته قابل تأملی که ذکر آن می‌تواند در افزایش تلاش پژوهشگران ایرانی مخصوص جامعه‌شناسان برای بررسی ساختارهای اجتماعی، جمعیتی، اقتصادی و... در اقوام و مناطق گوناگون کشور عزیزمان مفید باشد این است که طی سالهای متمادی، این پژوهشگران خارجی بوده‌اند که به بررسی اقوام و جمعیت ایران می‌پرداختند نه پژوهشگران ایرانی و اصولاً اکثر حکومت‌های ایرانی در گذشته در این امور توجه و آگاهی لازم را نداشته‌اند. به عنوان مثال مطالعه ایل کلهر که سابقه آن به دوره صفویه باز می‌گردد و ایلی قدرتمند در غرب ایران بوده همچنین از ایلات دارای نفوذ فراوان در عرصه ملی و بین‌المللی محسوب می‌شده است، نخستین بار در سال ۱۲۱۷ شمسی

توسط راولینسون^۹ (۱۳۶۲) انجام شد. پس از او به ترتیب، لیدی شل^{۱۰} ۱۲۳۵ شمسی و لرد کُرزن^{۱۱} در سال ۱۲۷۱ شمسی اطلاعات مربوط به این ایل را جمع‌آوری و ثبت نموده‌اند. اولین بار یک پژوهشگر ایرانی به نام احتسائیان در سال ۱۳۰۶ شمسی مطالعات خود در مورد این ایل را ثبت نموده است (عبّاسی و رفیعی، ۱۳۹۶)، که نشان از این امر دارد که سرانجام به مرور ایرانیان به اهمیت این امور پی برده‌اند.

یکی از مهمترین ویژگی‌های عشایر آشنایی کامل با سرزمین‌های کوهستانی، دشت‌ها و گذرگاه‌های صعب‌العبور است. آنها بنابر شرایط زندگی خویش جغرافیای ایران را با تجربه لمس کرده و در مسیریابی و شناخت گوشه و کنار و اماکن ناشناخته‌تر این نواحی مهارت دارند و این نکته از لحاظ ژئوپولیتیک و برنامه‌های استراتژیک بسیار قابل توجه است. به ویژه در زمانهایی که کشور عزیزمان از خارج مرزهای خود با تهدید مواجه باشد. روحیه همکاری، انضباط، صبوری و طاقت فراوان در شرایط دشوار، چالاکی و قدرت بدنی به علت زندگی در شرایط طبیعی با هوای سالم و تغذیه طبیعی و سالم، صداقت و پاکی به دلیل دوری از آلودگی دنیوی و پیچیدگی‌های زندگی اجتماعی در شهر و روستا، برخورداری از روحیه جنگجو و غیرتمند و... از جمله مشخصه‌های عشایر می‌باشد که آنها را بالقوه و بالفعل تبدیل به یکی از باارزش‌ترین سرمایه‌های انسانی کشور می‌نماید. توان تولید گوشت، پوست، شیر، کشک، کره و دیگر فراورده‌های دامی، پرورش دام و اسب، توان تولید در صنایع دستی مانند پتینه، گیوه، فرش، گلیم، چادرهای مقاوم برای اسکان در هر شرایط و وضعیت آب و

^۹ Rawlinson
^{۱۰} Lady Shell
^{۱۱} Lord Curzon

هوایی و جغرافیایی و... نیز می‌تواند آنها را در میدان اقتصاد به یکی از پایه‌های افزایش تولید و سرانه تولید و حتی ارزآوری برای کشور بدل نماید.

در بخش‌های بعدی ملاحظه خواهیم کرد که تمایل حکومت‌های ایران به ویژه در دوران پهلوی اول و دوم در اجرای سیاست‌های یکجانشینی، اصلاح اراضی، تخته‌قاپو و ادغام و یکسان‌سازی ایلات و عشایر در جهت توسعه و مدرن کردن جامعه و با اولویت داشتن اهدافی که عمدتاً نظامی و سیاسی بوده‌اند، از اندیشه‌های اجتماعی و نظریات مدرنیته تبعیت می‌کند. به عبارتی بر اساس دیدگاه‌های نظریه پردازان مدرنیته جوامع مدرن می‌بایست کنشگرانی داشته باشند که مرحله جنگجویی را پشت سر گذاشته باشند و بر اساس تولید انبوه و مصرف انبوه و معین بودن سبک‌های زندگی، ارزش‌ها، باورها و... که به وسیله نظام سرمایه داری تولید شده و در فضای اجتماعی پراکنده و درونی می‌گردند، به حداکثر همسانی و انطباق فرهنگی و اجتماعی برسند تا از این طریق ضمن حفظ ارزش‌های اقتصادی ارزش‌های نظامی - دفاعی، اجتماعی و فرهنگی مانند ارتباطات و کنش متقابل مسالمت آمیز و گرم، همبستگی اجتماعی، تمامیت ارضی، انسجام ملی با نظارت یک نظام سیاسی و نظامی واحد نیز محفوظ بماند. نظریه مکدونالدی شدن جامعه و جامعه توده‌ای از جمله این دیدگاه‌ها در همسانی‌های ناشی از تولید و مصرف انبوه در یک فرهنگ تعریف شده واحد می‌باشند. در صورتی که در گذر زمان این نظریه‌ها با موفقیت از بوته تجربه و آزمایش بیرون نیامدند. پس از آن با ظهور نظریه‌های پسامدرن، وجود تفاوت و اختلاف در ارزش‌ها، باورها، فرهنگ‌ها و به طور کلی حضور کنشگران اجتماعی کاملاً متفاوت در یک ساختار اجتماعی واحد یا در ساختارهای اجتماعی بین‌المللی به رسمیت شناخته شده و تنوع‌های قومی و فرهنگی در رست بوم اجتماعی ارزش و اصالت

یافت. در این میان نه تنها زمینه برای زیست مسالمت آمیز و ایجاد تعاملات و ارتباطات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و... با حضور اقوام و قومیت‌های گوناگون در یک جامعه یا در سطح فراملی فراهم شد بلکه این تفاوت‌ها یکی از ملزومات ایجاد خلاقیت، انگیزه و توسعه در ساختارهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و... قلمداد گردید. نظریه‌های جهانی شدن و دهکده جهانی برگرفته از چنین دیدگاهی می‌باشند.

لذا بر اساس نظریه‌های اجتماعی پست مدرن، در صورت مدیریت صحیح حضور ایلات و عشایر با ویژگی‌های اقتصادی - معیشتی، اجتماعی - فرهنگی و در مجموع با سبک زندگی خاص خویش در کنار دیگر اقوام و سبک‌های زندگی در شهرها و روستاها می‌تواند به همبستگی و توسعه اقتصادی و اجتماعی بیشتر ختم گردد. زیرا تجربه نشان داده است که هرگاه نوع برخورد و رفتار با ایلات و عشایر بر پایه سیاست‌های عادلانه و در نظر داشتن حقوق و آزادی‌های انسانی آنها و محور قرار دادن عقلانیت صورت گرفته است نتایج درخشانی به دنبال داشته که آثار آن بر صفحات تاریخ این مرز و بوم ماندگار گشته است (مشفق، ۱۳۸۲).

اما چنانچه بخواهیم با عینک پست مدرن به ایلات و عشایر بنگریم می‌بایست ابتدا به لحاظ تاریخی روند دگرگونی‌های این سبک از زندگی را مطالعه کرده و نقاط قوت و ضعف این مسیر را معین نماییم تا بتوانیم به برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های صحیح در توسعه عشایری دست یابیم. از سوی دیگر با مطالعه زندگی ایلات و عشایر، از منظر دیگری به روند دگرگونی‌ها و مسیر توسعه جامعه ایران می‌نگریم و این موضوع درک جامع‌تری نسبت به فرآیندهای توسعه‌ای و تغییرات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و... کشور و جامعه ایران را برای ما فراهم خواهد کرد. به این ترتیب با در نظر داشتن این دگرگونی‌ها، تغییرات یاد شده در جوامع شهری و روستایی ایران را می‌توان در

یک نمای کلی تر ملاحظه و فهم کرد. لذا در این کتاب سعی می‌شود با بررسی اسنادی و میدانی ایلات و عشایر زمینه برای دست‌یابی به درکی بهتر از آنچه در ایران به وقوع پیوسته گردآوری و ارائه گردد. علاوه بر این نکات، نیاز به یک منبع نسبتاً جامع برای دانشجویان جامعه‌شناسی و سایر علاقه‌مندان به مطالعه زندگی ایلات و عشایر به عنوان بخش مهمی از تاریخ، فرهنگ و میراث بشری جامعه ایران عکّی برای نگارش و تدوین این کتاب بر اساس اسناد، کتابها، مقالات و پاره‌ای از مشاهدات و مصاحبه‌ها با جامعه عشایری می‌باشد. از اهداف اصلی توسعه علم و شناخت توسط انسان، اجرای فرمان پروردگار و مطلوب ذات حقیقت جوی انسان است. امید است که مورد پذیرش حضرات حق و پسند طبع خوانندگان قرار گیرد.